

289017 - چگونگی تطهیر پدر بیمار و حکم ترک جماعت و جمعه به خاطر او

سوال

پدرم - که خداوند شفایش دهد - دو سال پیش دچار سکته مغزی شد که در پی آن، سمت چپ بدنش کاملاً فلج گردید و توانایی سخن گفتن را از دست داد. من هم شغلم را رها کردم و تمام مدت برای رسیدگی به خوراک، نوشیدنی و نظافت، در کنارش هستم. چند سؤال دارم:

۱. هنگام پاک کردن او از نجاست، دستکش می پوشم تا دست هایم تمیز بماند؛ چون پس از نظافت، دستکش آلوده را درمی آورم و با دست هایم پوشک جدید را تنش می کنم و سوند را برایش تنظیم می کنم. نگرانم که این دستکش پوشیدن، نوعی بی احترامی یا ابراز بیزاری (تأفف) باشد و خداوند مرا بابت آن مجازات کند؟

۲. اگر وضو داشته باشم و بدون لمس بدن، وضعیت سوند را بررسی کنم اما چشمم به عورت پدرم بیفتد، آیا وضویم باطل می شود؟ اگر برای تنظیم سوند، آلت او را لمس کنم، آیا برای خواندن قرآن یا نماز نافله باید دوباره وضو بگیرم؟

۳. سال اول، پدرم هوشیاری کمی داشت و بیشتر وقت ها خواب بود و نماز نمی خواند؛ حتی اگر با او جماعت می خواندم، وسط نماز خوابش می برد یا آن را رها می کرد. اما امسال وقت نماز را متوجه می شود و حتی اگر خواب باشد، بیدار می شود. خانه ما طبقه دوم است و خدا می داند چقدر آرزو دارم در مسجد نماز بخوانیم؛ اما حمل او از پله ها برایش طاقت فرساست و نگران سلامت او هستم. به همین دلیل بیشتر نمازها را در خانه با پدرم به جماعت می خوانم و به مسجد نمی روم. حتی روزهای جمعه خطبه حرم را دنبال می کنیم و بعد نماز ظهر می خوانیم.

۴. گاهی که پدرم خیلی خسته است، نماز عصر را یک ساعت زودتر یا به صورت جمع با نماز ظهر برایش می خوانم؛ آیا در این صورت برای من جایز است که دوباره برای نماز عصر به مسجد بروم، یا اگر او خسته بود نزدش بمانم؟

۵. گاهی پدرم به دلیل سکته دچار یبوست می شود و من مجبورم با انگشت، مدفوع را از بدنش خارج کنم؛ آیا این کار اشکالی دارد؟ پیش از این برای نماز به مسجد می رفتم، اما وقتی برمی گردم پدرم را گریان و ناراحت می دیدم. حالا ماه هاست از کنارش تکان نمی خورم تا مبادا بیدار شود و مرا نبیند و غصه بخورد؛ چون او اجازه نمی دهد کسی جز من به او غذا بدهد یا نظافتش کند. من هم ملازم پدر، قرآن و نماز شده ام و دنیا را رها کرده ام. مطالبات مالی در ریاض دارم که نتوانسته ام برای دریافتشان بروم؛ از طرفی بدهی هایی هم دارم که برخی طلبکاران صبوری کردند و شرایطم را درک کردند، اما برخی دیگر شکایت کرده اند و شش ماه است که تحت تعقیب پلیس هستم. آیا این کار من مصداق خوردن مال مردم به باطل است؟ چون نتوانسته ام بدهی ام را بدهم نگرانم که نکند نماز و قرآنم قبول نشود؟

۶. آیا جایز است پس از ختم قرآن، ثواب آن را به پدر و مادر هدیه کنم؟ چون آنها باعث شدند ما درس بخوانیم و به فضل آنها قرآن را ختم کرده‌ام؛ یا اینکه فقط بگویم: «اللَّهُمَّ اجْزِ وَالِدَيَّ خَيْرَ الْجَزَاءِ» (خداوند، به پدر و مادرم بهترین پاداش را عطا کن)؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

نخست:

از خداوند متعال می‌خواهیم که پدرتان را شفا و عافیت دهد و به شما بابت کارهایی که برای او انجام می‌دهید، بهترین پاداش را عطا کند.

پوشیدن دستکش هنگام پاک کردن نجاست کار درستی است؛ چرا که لمس عورت حرام است و حتماً باید از حائل مانند دستکش و امثال آن استفاده شود.

در «فتاویٰ لجنة دائمه» (۲۵/۲۸۳) آمده است: «ان شاء الله بابت خدمتی که به این معلولان می‌کنید و نظافت آنان، پاداش می‌گیرید؛ اما این کار باید با پوشاندن عورت و پاکسازی آن از روی حائل و با قرار دادن پوششی مانند پارچه یا دستکش بر روی دست انجام شود».

اگر دلیل شما برای پوشیدن دستکش، احساس ناخوشایند باشد، مشکلی ندارد؛ زیرا ناخوشایند بودن تماس با نجاست یک امر فطری است [و این بی‌احترامی به پدر نیست].

دوم:

نگاه کردن به عورت پدرتان جایز نیست مگر در موارد نیاز؛ مثلاً زمانی که تنظیم سوند بدون نگاه کردن ممکن نباشد.

در ضمن، نگاه کردن به عورت باعث باطل شدن وضو نمی‌شود.

در مورد نظافت نیز باید تمام تلاش خود را بکنید که در عین پوشاندن عورت، او را تمیز کنید؛ یعنی نجاست را از زیر پوششی مانند پارچه بشویید.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، لمس عورت او جایز نیست و باید دستکش بپوشید. با فرض اینکه تماسی صورت بگیرد،

لمس آلت تناسلی (جلو یا عقب) بدون حائل، نزد بسیاری از اهل علم از جمله صحابه، تابعین و امامانی همچون مالک، شافعی و احمد، باعث ابطال وضو می‌شود.

سوم:

اگر پدرتان وقت‌های نماز را متوجه می‌شود، نماز بر او واجب است و ترک آن جایز نیست.

شما نیز تا زمانی که هنگام رفتن به مسجد، کسی دیگر نزد پدرتان حضور دارد، باید در نماز جماعت مسجد شرکت کنید.

اما اینکه او از رفتن شما ناراحت می‌شود، به تنهایی عذر موجهی برای ترک نماز جماعت محسوب نمی‌شود.

البته اگر گاهی متوجه شدید که حال روحی او بدتر از حالت عادی است و به شدت دلتنگ یا پریشان می‌شود، امیدواریم اگر در این مواقع خاص کنار او نماز بخوانید، گناهی بر شما نباشد؛ اما باید تلاش کنید با خوش‌رویی او را راضی کنید که برای کارهای ضروری مانند نماز جماعت و امثال آن، مدت کوتاهی او را تنها بگذارید و در این زمان کوتاه، فرد دیگری را نزد او بگذارید.

همچنین اگر کسی باشد که در غیاب شما از او مراقبت کند، ترک نماز جمعه جایز نیست؛ اما اگر کسی نباشد، برای ترک آن معذور هستید و باید با پدرتان در منزل نماز ظهر بخوانید. خود او نیز اگر رفتن به نماز جمعه برایش سخت و طاقت‌فرسا باشد، برای نرفتن معذور است.

در «کشاف القناع» (۱/ ۴۹۵) آمده است: «بیمار برای ترک جمعه و جماعت معذور است؛ زیرا پیامبر ﷺ هنگامی که بیمار شدند، در مسجد حاضر نشدند و فرمودند: به ابوبکر بگویید با مردم نماز بخواند (متفق علیه). همچنین کسی که می‌ترسد همراه یا نزدیکانش در غیاب او از دنیا بروند یا برای پرستاری از آنها (در صورتی که کسی جایگزین او نباشد) معذور است؛ چرا که وقتی ابن‌عمر در حال خوشبو کردن خود برای نماز جمعه بود، خبر احتضار سعید بن زید به او رسید؛ پس او به [منطقه] عقیق شتافت و نماز جمعه را ترک کرد و در این باره اختلافی سراغ نداریم».

از شیخ ابن عثیمین رحمه الله پرسیده شد: «فرزندم دچار بیماری شد و در بیمارستان بستری گردید و من همراه او بودم؛ سه ماه گذشته را به دلیل وضعیت فرزندم که هم بیمار و هم خردسال است، در نماز جمعه حاضر نشدم. حکم این کار چیست؟»

ایشان رحمه الله پاسخ دادند: «تا زمانی که فرزندت به حضور تو در کنار خود نیاز دارد، گناهی بر تو نیست؛ زیرا نیاز بیمار به پرستار، از مواردی است که باعث ساقط شدن وجوب جمعه و جماعت از پرستار می‌شود. اما اگر در مدتی که تو به نماز می‌روی، کسی باشد که بتواند از او پرستاری کند، در این صورت نماز از تو ساقط نمی‌شود». پایان نقل قول از «فتاوی نور

علی الدرب» (۸ / ۲).

چهارم:

بیمار می‌تواند برای رفع سختی، نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشا را به صورت جمع تقدیم یا جمع تأخیر بخواند.

در «کشاف القناع» (۲ / ۵) آمده است: «فصلی در بیان جمع میان دو نماز: ... جمع بین ظهر و عصر در وقت یکی از آنها، و بین مغرب و عشا در وقت یکی از آنها جایز است. پس این چهار نماز (ظهر، عصر، مغرب و عشا) هستند که در وقت یکی از آنها با هم خوانده می‌شوند؛ یا در وقت نماز اول که به آن جمع تقدیم می‌گویند، یا در وقت نماز دوم که به آن جمع تأخیر گفته می‌شود؛ و این کار در هشت حالت [مجاز است]...»

حالت دوم: بیماری است که ترک جمع برای او باعث سختی و ضعف شود. جواز جمع برای زن مستحاضه که نوعی بیماری محسوب می‌شود ثابت شده است؛ امام احمد نیز استدلال کرده که بیماری از سفر سخت‌تر است و ایشان خودشان پس از غروب آفتاب حجامت کردند، سپس شام خوردند و آنگاه بین دو نماز جمع کردند».

پنجم:

استفاده از انگشت برای خارج کردن مدفوع از مقعد پدرتان در صورت نیاز، اشکالی ندارد؛ به شرطی که با استفاده از حائلی مانند دستکش باشد.

ششم:

درباره هدیه کردن ثواب قرائت به والدینت میان علما اختلاف نظر وجود دارد؛ اما بهتر آن است که این کار را ترک کنی و به دعا کردن برای آنها اکتفا کنی.

پاسخ سؤال شماره (20996) را ببینید.

از آنجا که آنها به تو آموزش داده و برای حفظ قرآن تشویقت کرده‌اند، امید می‌رود که ثواب تمام قرائت‌هایت به آنها نیز برسد؛ به دلیل این سخن پیامبر ﷺ که: «هر کس به سوی هدایتی فرا بخواند، پاداشی همانند پاداش پیروانش خواهد داشت، بدون آنکه از پاداش آنها چیزی کم شود؛ و هر کس به سوی گمراهی فرا بخواند، گناهی همانند گناه پیروانش بر او خواهد بود، بدون آنکه از گناه آنها چیزی کم شود». به روایت مسلم (۴۸۳۱).

از الله می‌خواهیم که پدرت را عافیت دهد و بر نیکی و احسان تو بیفزاید.



والله اعلم.